

## تأثیر و حضور شاهنامه در برخی از هنرهای ایرانی

علی تقوی\*

ابوالقاسم رادفر\*\*

### چکیده

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی با گذشت هزار سال از سرایش آن، همواره در شئون مختلف زندگی ایرانیان و دیگر مردم آگاه و نیک‌سرشت جهان حضور داشته است. دامنه تأثیرپذیری از شاهنامه تنها به حوزه ادبیات و خلق آثار ادبی و ترجمه همه یا قسمتی از آن به زبان‌های زنده دنیا محدود نیست بلکه در طول سالیان پس از سرایش شاهنامه، هنرمندان ایرانی همواره متأثر از آن، به خلق زیباترین آثار همت گماشته‌اند. در واقع، از همان سده‌های آغازین خلق این حماسه ملی، اشعار، داستان‌ها و شخصیت‌های آن به صورت‌های گوناگون در فرهنگ و هنر ایران تأثیرگذار بوده است.

در این جستار، تأثیر و حضور شاهنامه در برخی از مهم‌ترین هنرهای ایرانی، از جمله نگارگری، خوشنویسی، هنرهای نمایشی، و کاشی‌کاری، بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شاهنامه فردوسی، هنرهای ایرانی، شاهنامه‌نگاری، تذهیب، خوشنویسی، کاشی‌کاری، هنرهای نمایشی.

### مقدمه

فردوسی - سخنور بزرگ طوس - با خلق اثر جاودانه شاهنامه و «با دمیدن روح واحد در کالبد و اعضای پراکنده این اثر بزرگ و ارائه چنین مجموعه منظوم و متنوع و عظیمی با

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) atqvi@yahoo.com

\*\* استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۱۷

انسجام کامل و حفظ وحدت موضوع در عالی‌ترین شکل و صورت قابل تصور» (مرتضوی، ۱۳۶۹: ۱۲) و صیانت از زبان، فرهنگ و هویت ایرانی، بسیاری از ادیبان و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی را مستقیم یا غیرمستقیم وامدار خود کرده است.

در تأثیر و حضور شاهنامه در زبان و ادب فارسی و آثار ادبی، بسیار گفته و نوشته‌اند؛ اما با وجود آنکه کمتر هنر ایرانی را می‌توان یافت که از تأثیر شاهنامه برکنار مانده باشد، آن‌چنان که باید به حضور این حماسه ملی در هنرهای ایرانی و نوع تعاملی که با آنها برقرار کرده، پرداخته نشده است. در این گفتار کوشش می‌شود بر پایه منابع موجود، تأثیر و حضور شاهنامه در برخی از مهم‌ترین هنرهای ایرانی همچون نگارگری، تذهیب، کاشی‌کاری و هنرهای نمایشی، به اختصار بررسی شود.

## ۱. شاهنامه‌نگاری

قابلیت‌های تصویری و نوع پرداخت روایت‌های اساطیری شاهنامه در کنار مضامین بلند حماسی، زمینه‌ساز آن شد تا این اثر یکی از مهم‌ترین متون ایرانی برای تصویرگری به‌شمار آید و با پیدایش هنر شاهنامه‌نگاری، نگارگران ایرانی نگاره‌های بسیاری را متأثر از داستان‌ها و شخصیت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه در معرض دید همگان قرار دهند.<sup>۱</sup>

### الف) شاهنامه‌نگاری در دوره مغول و ایلخانان

نگارگری ایران در سده‌های هفتم و هشتم هجری، با الهام از ادبیات به‌ویژه شعر فارسی، به شکوفایی خاصی دست یافت. در این میان، رویکرد و توجه ایلخانان بسیار تأثیرگذار بوده و دو پیامد مهم را برای نگارگری ایران به‌همراه داشته است:

یکی، انتقال سنت‌های هنر چینی به ایران که منبع الهام تازه‌ای برای نگارگران شد؛ و دیگری، بنیانگذاری نوعی هنرپروری که سنت کارگروهی هنرمندان در کتابخانه - کارگاه سلطنتی را پدید آورد. [...] تداوم این وضع در زمان اینجویان، مظفریان و جلایریان، به شکل‌گیری یک سبک نومایه در نگارگری ایرانی انجامید. (پاکباز، ۱۳۸۳: ۶۰)

**شاهنامه کاما:** تاریخ قدیم‌ترین شاهنامه مصور براساس پژوهش‌های انجام‌شده، به پیش از سال ۶۵۰ ق برمی‌گردد؛ شاهنامه‌ای که به دلیل نگهداری آن در مؤسسه شرق‌شناسی کامای هند، به شاهنامه کاما معروف است. این شاهنامه، ۳۰۹ ورق و ۴۵ تصویر دارد. (غروی،

۱۳۵۲: ۴۳-۴۱)

**شاهنامه رشیدی:** شاهنامه رشیدی مشهور به شاهنامه دموت<sup>۲</sup> با ۱۲۰ تصویر، اوج پیشرفت نقاشی عهد ایلخانی است. از این شاهنامه که چند هنرمند به سفارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی پدید آورده‌اند، اکنون صفحات چندانی در دست نیست. پژوهشگران، زمان آغاز به کار آماده‌سازی این کتاب را سال ۷۳۰ ق و تاریخ اتمام آن را سال‌های متفاوتی همچون ۷۳۶، ۷۴۰، ۷۵۰، ۷۷۵ ق ذکر کرده‌اند. (پاکباز، ۱۳۸۳: ۶۰) این شاهنامه مصور، دربردارنده عناصر ویژه نگارگری ایرانی سده‌های هشتم تا دهم هجری، از جمله نظم عالی، ترکیبات پیچیده، رنگ‌های شفاف و درخشان، حاشیه‌پردازی‌های مشخص و استادانه و توانایی القای عواطف و هیجانات از طریق حالات و نگاه است. (کنبای، ۱۳۸۱: ۳۴)

### ب) شاهنامه نگاری در دوره اینجویان فارس

هنرمندان شیراز در سده هشتم هجری، با حفظ سنت نگارگری ایرانی، توجه ویژه‌ای به شاهنامه نشان دادند. پژوهشگران، بین سال‌های ۷۳۰ تا ۷۵۱ هجری، از حدود هشت نسخه مصور شاهنامه یاد می‌کنند که در شیراز مصور شده‌اند که برخی از آنها به سبب ابعاد خود به شاهنامه‌های کوچک معروف‌اند.

کهن‌ترین نسخه مصور از مجموعه شاهنامه‌های کوچک با ۹۲ نگاره، متعلق به سال ۷۳۱ ق است که در موزه توپقاپوسرای ترکیه نگهداری می‌شود. کتابت نسخه دیگر در سال ۷۳۳ ق پایان یافته است و در کتابخانه ملی روسیه در سن پترزبورگ نگهداری می‌شود. این نسخه ۴۹ نگاره دارد. نسخه دیگر این مجموعه که به شاهنامه قوام‌الدین حسن نیز شهرت دارد، به تاریخ ۷۴۱ ق حسن‌بن‌محمدالموصلی کتابت کرده و دربردارنده ۱۴۰ نگاره است. کتابت چهارمین شاهنامه با ۱۰۸ نگاره در سال ۷۵۳ ق به اتمام رسیده است. (آژند، ۱۳۸۷: ۹۲؛ آدامووا، ۱۳۸۳: ۵۴)

اساسی‌ترین ویژگی مشترک کلیه نگاره‌های نسخ خطی شیراز ترکیب رنگ‌های قرمز و زرد است. طراحی پرتحرک و زنده، از دیگر ویژگی‌های بارز این نگاره‌ها است. طرح‌ها و دیگر اجزای تصاویر چنان آزادانه ترسیم گشته‌اند که اغلب از آنها به‌عنوان تصاویر بی‌دقت و ناشیانه نام می‌برند. درعین حال می‌توان گفت که بی‌دقتی موجود در تصاویر نه ناشی از ضعف بلکه حاکی از حرفه‌ای بودن نقاش در اتخاذ شیوه هنری خلاق خویش است. تصاویر این نسخ آشکارا متأثر از بزرگ‌نمایی دیوارنگاری است. (آدامووا، ۱۳۸۳: ۵۶)

### ج) شاهنامه نگاری در دوره تیموریان

تیمور و جانشینان او، با تشکیل حکومت در سمرقند و هرات، درکنار توجه به کشورگشایی‌ها و دیگر مسائل سیاسی، در راستای دستیابی به اهداف خاص خود از توجه به هنر و صنعت نیز غافل نبودند. هنر کتاب‌آرایی در این دوره نیز با نگارگری و تذهیب آثاری چون شاهنامه، منظومه‌های خمسه نظامی، کلیله و دمنه و گلستان ادامه یافت و نسخه‌های بسیاری برای دوران بعد به یادگار ماند.

**شاهنامه بایستقری:** بایستقر میرزا - فرزند شاهرخ میرزا - با دردست گرفتن حکومت هرات، توجه ویژه‌ای به مصورکردن کتاب‌های ادبی از خود نشان داد. از جمله آثاری که به سفارش او تدارک دیده شده، شاهنامه مصوری است که به شاهنامه بایستقری معروف است. این شاهکار مکتب تیموری که اکنون در کاخ گلستان نگهداری می‌شود، ۲۲ نگاره دارد که مصور یا مصوران آن به درستی دانسته نیست. کتابت آن را جعفر تبریزی به سال ۸۳۳ ق به اتمام رسانده است.

پیکرهای بلند قامت و موقر با چهره‌های ریش‌دار، گلبوته‌های درشت و تک درختان سرسبز از عناصر شاخص در ترکیب‌بندی‌های کاملاً متعادل نگاره‌های شاهنامه بایستقری و دیگر نسخه‌های این زمان به‌شمار می‌آیند. (پاکباز، ۱۳۸۳: ۷۳)

**شاهنامه ابراهیم سلطان:** ابراهیم سلطان - از دیگر فرزندان شاهرخ میرزا - با استقرار در شیراز، توجه و اهتمام ویژه‌ای به هنرهای مختلف از جمله شاهنامه نگاری از خود نشان داد. شاهنامه ابراهیم سلطان که اکنون در کتابخانه بادلیان آکسفورد نگهداری می‌شود و دربردارنده ۴۷ نگاره است، حاصل همین رویکرد وی است.

کتابت این شاهنامه ظریف و زیبا است و نگاره‌های آن گرچه به پای شاهنامه بایستقری نمی‌رسد، تکامل و تکوین نگارگری مکتب شیراز را به خوبی نشان می‌دهد. (آژند، ۱۳۸۷: ۹۵)

### د) شاهنامه نگاری در دوره صفویان

در دوره صفویان، با پیدایش مکاتب هنری تبریز، قزوین و اصفهان، توجه ویژه‌ای به شاهنامه نگاری می‌شود. این مکاتب «آکنده از نسخه‌های آراسته شاهنامه با نگاره‌های جذاب و دلنشین است. شیوه‌های سنتی ایرانی، با نیازهای زمان انطباق می‌یابد و حتی شاهنامه خوانی و قصه‌خوانی متون تغزلی و داستانی ایران ارجمند می‌شود [...] شاهنامه،

وسیله بیان عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی صفویان برای توده مردم می‌شود. شاهزادگان برای کتاب‌آرایی شاهنامه به چشم‌وهم‌چشمی و رقابت می‌پردازند و زیباترین نسخه‌ها را از این حماسه ایران فراهم می‌آورند و بدان فخر می‌ورزند.» (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵۴)

**شاهنامه شاه‌تهماسپی:** مهم‌ترین و نفیس‌ترین نسخه مصور شاهنامه در دوره صفویه و مکتب تبریز، شاهنامه شاه‌تهماسپی معروف به شاهنامه هوتون<sup>۳</sup> است. در فراهم‌آوردن این نسخه که آغاز و انجام آن را به ترتیب حدود ۹۳۰ ق و ۹۴۶ ق دانسته‌اند، هنرمندانی همچون سلطان‌محمد، میرمصور و آقامیرک نقش داشته‌اند. (آژند، ۱۳۸۴: ۱۰۶) این شاهنامه با ۲۵۸ نگاره «درحقیقت نوعی نگارخانه منقول هنری است و در آن می‌توان شکل‌گیری هنر نگارگری دوره صفوی را در دهه ۹۲۰ ق تا تکوین و تکامل آن در میانه دهه ۹۳۵ ق مشاهده کرد.» (همان: ۱۱۵)

**شاهنامه رشید:** این نسخه شاهنامه که به نام کاتب آن، عبدالرشید دیلمی معروف به رشیدا شهرت یافته، ۷۳۸ صفحه و ۹۳ نگاره دارد. نگاره‌های این نسخه را احتمالاً محمد یوسف، از شاگردان رضا عباسی، مصور کرده است. این نسخه ناتمام هم‌اکنون در کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

از دیگر شاهنامه‌های مصور این دوره می‌توان به شاهنامه شاه‌عباسی با شانزده نگاره، شاهنامه شاه‌عباس ثانی با ۱۹۲ نگاره، شاهنامه شاه‌سلیمان با ۴۲ نگاره و شاهنامه قرچقای‌خان با ۱۴۸ نگاره اشاره کرد. (آژند، ۱۳۸۵: ۸۰-۶۱)

### ه) شاهنامه نگاری در دوره قاجار

در دوره قاجار نیز کتاب‌آرایی و تصویرگری شاهنامه همچون میراثی ارزشمند و به‌یادگارمانده از نیاکان مورد توجه هنرمندان قرار گرفت که حاصل آن شاهنامه‌های مصور متعددی است که در موزه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شود. از میان این شاهنامه‌ها می‌توان به شاهنامه معروف به کلاله خاور با ۵۲ نگاره اشاره کرد که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. در موزه رضا عباسی نیز چند نسخه از شاهنامه‌های مصور دوره قاجار موجود است، از جمله شاهنامه‌ای با ۱۹ نگاره که کتابت آن به خط نستعلیق اسماعیل شیرازی در سال ۱۲۴۳ ق به‌تمام رسیده و دیگر، شاهنامه‌ای که به نام کاتب آن یعنی محمدبن‌وصال داوری به شاهنامه داوری معروف است. این نسخه به خط نستعلیق در تاریخ ۱۲۷۴ ق کتابت شد و ۶۸ نگاره دارد.

از دیگر شاهنامه‌های مصور این دوره باید از شاهنامه‌ای یاد کرد که در کاخ گلستان نگهداری می‌شود. موضوع اصلی ۴۱ نگاره این شاهنامه که آقا نجفعلی اصفهانی و شاگردانش آن را به تصویر درآورده‌اند، «صحنه‌های نبرد و کشته‌شدن شخصیت‌های مشهور شاهنامه است و عموماً نقش‌های حماسی آن همان موضوعاتی است که پرده‌های بزرگ رنگ روغنی و دیوارنگاره بناها را با جریان مکتب هنری قهوه‌خانه‌ای آذین بخشید.» (شین دشتگل، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

### و) شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی در دوره قاجار

در دوره قاجار با رواج صنعت چاپ، رفته‌رفته چاپ سنگی شاهنامه رواج یافت و در نتیجه امکانی فراهم آورد تا این نسخه‌ها که اغلب به تصاویری از داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه آراسته بوده‌اند، در دسترس مخاطبان بیشتری قرار گیرد.

البته شیوه جدید، در کیفیت نسخ نیز تأثیر گذاشت. این شیوه دیگر اجازه آن رنگ‌پردازی‌ها، طلااندازی‌ها و زرافشانی‌ها را نمی‌داد. طراح ناچار بود با مرکب نه چندان روان چاپ طراحی کند. ولی این باعث نشد که نسخه‌های چاپ سنگی شاهنامه، سطحی نازل یا حتی متوسط داشته باشند. در واقع شاهنامه‌های چاپ سنگی، جزء کتاب‌های برتر آن دوره به لحاظ تزئینات، تذهیب‌ها و مجالس بودند. (بوذری، ۱۳۸۷: ۲۴۰)

از نخستین نسخه‌های مصور چاپ سنگی شاهنامه می‌توان به نسخه چاپ بمبئی (۱۲۶۶ق) با تصویرگری میرزا علی اکبر، نسخه چاپ تهران (۱۲۶۷-۱۲۶۵ ق) با تصویرگری میرزا علی قلی خوئی<sup>۷</sup> و نسخه چاپ تبریز (۱۲۷۵ق) با تصویرگری استاد ستار تبریزی اشاره کرد. اکثر تصاویر شاهنامه‌های مذکور و سه نسخه دیگر را می‌توان در کتاب آلبوم شاهنامه: تصویرهای چاپ سنگی شاهنامه فردوسی، که به سعی و اهتمام اولریش مارزلف در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است، یافت.<sup>۸</sup>

### ز) شاهنامه‌نگاری در دوره معاصر

در دوره معاصر، با رواج روزافزون صنعت چاپ و نشر کتاب، توجه ویژه‌ای به چاپ نفیس و آراسته شاهنامه شده است. از جمله این شاهنامه‌های مصور می‌توان به شاهنامه‌ای اشاره کرد که با نگارگری، تذهیب و تشعیر استاد مجید مهرگان و خط علی سجادی در مرکز فرهنگی انتشاراتی فرهنگسرای فردوسی بر پایه متن شاهنامه چاپ مسکو به چاپ رسیده است. داستان‌های شاهنامه نیز عنوان دو اثر است که یکی برگزیده‌ای از شاهنامه به گزینش

محمدحسن شیرازی است که با نگاره‌هایی از استاد محمدباقر آقامیری و استاد صادق صندوقی در انتشارات پیام محراب به چاپ رسیده است و اثر دیگر، با مقدمه و گزینش دکتر علی رواقی و تشعیر و نگاره‌هایی از استاد محمود فرشچیان و خط استاد محمدعلی گرجستانی در انتشارات نگار به علاقه‌مندان عرضه شده است.

از دیگر کارهای شاهنامه‌نگاری در دوره معاصر، خلق سی نگاره براساس سی داستان از شاهنامه است که جمعی از هنرمندان معاصر، در فرهنگستان هنر آغاز کرده‌اند و امید است در آینده‌ای نزدیک در قالب کتابی نفیس در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.<sup>۶</sup>

## ۲. کتابت و تذهیب شاهنامه

شاهنامه‌نگاری همواره با برخی از دیگر هنرها و فنون همراه بوده است تا حاصل کار به صورت مجموعه‌ای منسجم برای سال‌های سال به یادگار بماند. در این میان، کتابت شاهنامه به خط خوش و تذهیب آن غالباً از بایسته‌های یک شاهنامه مصور بوده است.

کهن‌ترین نسخه‌های بازمانده از شاهنامه از سده هفتم هجری است که از جمله آنها می‌توان به نسخه فلورانس (۶۱۴ ق) و نسخه موزه بریتانیا (۶۷۵ ق) اشاره کرد. گفتنی است شاهنامه‌های موجود تا سده هشتم هجری عموماً به خط نسخ است و از سده نهم به بعد غالباً کاتبان در نگارش شاهنامه از خط نستعلیق بهره برده‌اند.

تذهیب و آراستن کتاب‌ها و جلد‌ها را که از دیرباز در ایران مرسوم بوده است، هنرمندان به طرز ویژه‌ای در نسخه‌های شاهنامه به کار برده‌اند؛ که گویای عمق رابطه آنان با این حماسه ملی است. در واقع هنرمند از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند تا این اثر هرچه آراسته‌تر در دسترس مخاطبان قرار گیرد. حاشیه‌های تذهیبی زرین، سرفصل و سرلوحه‌های زرین مرصع با ظرافت‌های جواهرنشانی، سرترنج، حاشیه‌سازی با کاغذ زرافشان یا الوان، قطاعی که از جمله وظایف مذهبان بوده، به بهترین شکلی در بسیاری از نسخ خطی شاهنامه به کار رفته است به گونه‌ای که هر بیننده صاحب‌ذوقی را به تأمل و فراگرفتن معانی و تصاویر کتاب فرامی‌خواند.<sup>۷</sup>

## ۳. کاشی‌کاری

انعکاس شاهنامه فردوسی در کاشی‌ها نیز درخور توجه است. از اواخر دوره سلجوقی تا به امروز، یا متن اشعار شاهنامه بر کاشی‌های زرین‌فام و مینایی نقش بسته یا تصاویری عموماً

برگرفته از اسطوره‌های شاهنامه به تصویر کشیده شده یا از تلفیقی از این دو در کاشی‌ها استفاده شده است. (واتسون، ۱۳۸۲: ۲۱۱ - ۲۱۰) معتقد است که در سده‌های ششم و هفتم، اشعار شاهنامه غالباً بر روی کاشی‌های ستاره‌ای شکل دیده می‌شوند و در این زمینه به ابیات زیر اشاره می‌کند:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
ز موبد برین گونه برداشت یاد	که رستم یکی روز از بامداد
غمی بُد دلش ساز نخجیر کرد	کمر بست و ترکش پر از تیر کرد

درواقع «روی کاشی‌هایی که به شکل ستاره و خاج بوده و در تزئین گنبدها و دیوارهای عمارات مورد استفاده قرار می‌گرفتند، کتیبه‌ها تنها در حواشی و کناره‌های شکسته کاشی‌ها نقش گشته‌اند. به همین جهت، خواندن کتیبه‌ها پس از نصب کاشی‌ها بر روی دیوار بسیار دشوار بود و متن نوشته‌ها دیگر جزء اصلی نقش و نگار دیواری محسوب نمی‌گشت. با این همه، نگارش کتیبه بر روی کاشی‌ها و دیگر سفال‌آلات نه تنها حاکی از شهرت عظیم شاهنامه بود، بلکه موجبات ترویج بیشتر آن را نیز فراهم می‌آورد.» (آدامووا، ۱۳۸۳: ۲۱)

کاربرد تصاویر منقوش برگرفته از شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه بر کاشی‌ها غالباً برای آرایش نماهای درونی و برای تزئین سردر باغ‌ها، کاخ‌ها، عمارت‌ها، دروازه‌ها، حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها بوده است؛ از جمله آنکه دروازه‌های تهران قدیم «با کاشی‌های زیبایی تزئین یافته و با هشت مناره کوتاه و ظریف با تصاویری از پهلوانان باستانی ایران مانند رستم، گیو و گودرز و صحنه‌های نبرد رستم و سهراب و رستم و افراسیاب و رستم و اشکیوس و رستم و دیو سفید و امثال اینها زینت یافته بود.» (شهری، ۱۳۷۶: ج ۱/ ۱۸)

#### ۴. شاهنامه و هنرهای نمایشی

نوع پرداخت و تنوع داستان‌ها و شخصیت‌پردازی‌های منحصر به فرد فردوسی در شاهنامه و توجه ویژه وی در حفظ و بقای هویت ایرانی، زمینه رشد و بالندگی برخی از انواع هنرهای نمایشی را در ایران فراهم آورد؛ که از جمله آنها به اختصار درباره شاهنامه‌خوانی، تئاتر و نمایشنامه‌نویسی توضیح داده می‌شود.



**نقالی و شاهنامه خوانی:** از جمله هنرهای نمایشی که بسیار متأثر از شاهنامه بوده، هنر نقالی یا شاهنامه خوانی است که نقش به سزایی در آشنایی ایرانیان به ویژه عامه مردم با فرهنگ حماسی و اساطیری داشته است. تاریخ دقیق شروع شاهنامه خوانی به درستی آشکار نیست؛ اما اگر بنا به گفته نظامی عروضی در *چهارمقاله*، بودلف نامی را راوی شاهنامه در زمان فردوسی بدانیم (نظامی، ۱۳۷۶: ۷۹)، شاید بتوان به اعتباری وی را نخستین شاهنامه خوان در معنای ابتدایی اش به شمار آورد.

نقالی و شاهنامه خوانی در ادوار مختلف، با توجه به نوع رویکرد حاکمان، با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است.<sup>۱</sup> با روی کار آمدن صفویان و سیاست خاص آنان، شاهنامه خوانی در کوی و برزن و به ویژه در قهوه‌خانه‌ها که خود پدیده‌ای نوظهور بود، رونقی روزافزون یافت. این روند در دوره قاجار نیز گسترش چشمگیری داشت و خاص و عام را به گونه‌ای متوجه خود ساخت.

در شاهنامه خوانی غالباً «نقال درمیان داستان، هم از شعرهای شاهنامه استفاده می‌کرد و هم قسمت‌هایی را از زبان خود با شاخ و برگ بسیار بیان می‌نمود و ضمن خواندن شعر و گفتن داستان، با حرکت دادن دست و پا، راه رفتن و نشستن و برخاستن و برهم کوفتن دست‌ها و حرکت دادن چوب و یا عصایی که در دست داشت و جز آن، بر شدت تأثیر داستان می‌افزود. [...] گاه از زبان رزم‌آوری خشمناک فریاد برمی‌آورد و تماشاچی را در بهت به لذت آمیخته‌ای فرو می‌برد و گاه نرمی گفتار پندآمیز پیر جهان‌دیده‌ای را به صدای خود می‌داد و لبخند آرامی را بر دل‌ها می‌نشانده.» (میرشکرایی، ۱۳۵۵: ۵۹) در این شاهنامه خوانی‌ها، داستان‌های «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» غالباً مخاطب بیشتری داشت تا بدانجا که این داستان‌ها بیشتر به سهراب‌کشی و اسفندیارکشی در بین عامه مردم معروف بود (همان، ۶۰) البته میان شاهنامه خوانی و نقالی، تفاوت‌هایی نیز قائل شده‌اند؛ از جمله آنکه:

شاهنامه خوان در مجلس داستان‌سرایی، تحرک چندانی ندارد؛ تنها کتاب شاهنامه را پیش روی خود می‌گشاید و داستان‌های آن را بازگو می‌کند و گه‌گاه اشعار آن را با صدای رسا می‌خواند [...] اما نقال با حرکات و رفتارهای خود، آنچه را که نقل می‌کند، نمایش نیز می‌دهد: خودش را همان پهلوان داستان‌هایش تصور می‌کند و مانند آنها تیر می‌اندازد، شمشیر می‌زند، اسب‌سواری می‌کند و گاه کشتی می‌گیرد. (افشاری، ۱۳۷۷: ۲۷ مقدمه)

حال آنکه به نظر می‌رسد شاهنامه خوانی را باید از انواع نقالی دانست. در واقع دایره شمول نقالی بسیار فراتر از شاهنامه خوانی است و افزون بر نقل‌های حماسی و اسطوره‌ای باید از نقل‌هایی همچون مذهبی، غنایی و پهلوانی نیز نام برد.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، نقش نقالان و روایات شفاهی در شکل‌گیری برخی از داستان‌های شاهنامه است. در واقع «داستان‌های مکتوب اعم از مثنوی و منظوم که بعدها دستمایه هنر نقالان قرار گرفت، در بدو امر از طریق سینه و حافظه همین نقالان مکتوب شد. اشاره دقیق و امانت‌دارانه فردوسی به آزادسرو به‌عنوان حافظ پرشور این‌گونه داستان‌ها تنها یک نمونه از وجود نقالان سخنوری است که اندوخته‌های آنان آبخور داستان‌های اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی بوده است.» (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ج ۲/۲۱۳؛ نیز ← بیضایی، ۱۳۸۷: ۶۷)

**نمایشنامه‌نویسی و تئاتر:** با رشد و گسترش نمایشنامه‌نویسی در ایران، بسیاری از نویسندگان با توجه به داستان‌ها، مضامین و شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای شاهنامه، نمایشنامه‌هایی خلق کردند.<sup>۹</sup> براساس مستندات کتاب *قابلیت‌های نمایشی شاهنامه*، تا سال ۱۳۸۲ حدود ۱۲۱ نمایشنامه متأثر از شاهنامه نوشته شده که برخی از آنها نیز به‌اجرا درآمده است (حنیف، ۱۳۸۴: ۱۳۵). نخستین نمایشنامه برگرفته از شاهنامه که در ایران به‌چاپ رسید، «تئاتر ضحاک» نام داشت که ابراهیم پسر میرزاعلی اکبرخان آجودان‌باشی در سال ۱۳۸۴ ه. ش. از ترکی به فارسی ترجمه کرده بود. (فروغ، ۱۳۵۴: ۴-۳)

اولین نمایشنامه‌هایی که براساس داستان‌های شاهنامه به روی صحنه رفت، نمایشنامه‌هایی بود که به‌مناسبت هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۴ ه. ش.، عبدالحسین نوشین متأثر از داستان‌های «زال و رودابه»، «قباد» و «رستم و تهمینه» نوشته بود. (فنائیان، ۱۳۸۶: ۵۱) از میان داستان‌های شاهنامه، داستان رستم و سهراب بیشتر مورد توجه نمایشنامه‌نویسان بوده است و کسانی مانند حسین کاظم‌زاده، غلامعلی فکری، محمد مقدم، فرهنگ ارجمند و منوچهر شیبانی، نمایشنامه‌هایی براساس آن خلق پرداختند. (فروغ، ۱۳۴۵: ۳۷-۴۱)

## نتیجه‌گیری

در طول هزار سالی که از سرایش شاهنامه فردوسی می‌گذرد، ادیبان و هنرمندان بسیاری از این حماسه ملی تأثیر پذیرفتند. شاهنامه افزون‌بر حوزه زبان، ادب و فرهنگ ایران، بر هنرهای ایرانی نیز تأثیرگذار بوده است و هنرمندان و صنعت‌کاران ایرانی، با الهام از داستان‌ها و مضامین شاهنامه، هنرهای فاخری از خود به‌یادگار گذاشتند. گویی متن و مضمون شاهنامه، با نفوذ در ذهن و ضمیر هنرمندان ایرانی، سبب می‌شود آنان با رویکرد و نگرشی حماسی و اسطوره‌ای، آثار خود را خلق پردازند.

پرداخت و توصیف دقیق روایت‌های اساطیری و حماسی شاهنامه و قابلیت‌های تصویری آن، بسیاری از نگارگران را برآن داشت تا براساس صحنه‌های آن به آفرینش نگاره‌هایی مبادرت ورزند که زینت‌بخش نسخه‌های خطی شاهنامه در دوره‌های مختلف شده است. در این میان، از نسخه‌های مصور معروف شاهنامه باید از شاهنامه کاما، شاهنامه رشیدا، شاهنامه بایسنقری، شاهنامه شاه‌تھماسی نام برد که شهرت جهانی یافته‌اند. حضور شاهنامه در هنرها و صناعت‌های کاشی‌کاری و فلزکاری نیز درخور توجه است. بر برخی از کاشی‌ها و ظروف فلزی به‌دست‌آمده از دوره سلجوقیان تا به امروز، ایاتی از شاهنامه یا تصویر برخی از شخصیت‌ها و داستان‌های آن یا ترکیبی از آن دو به‌طرز ماهرانه‌ای نقش بسته است.

شاهنامه همچنین با پرداخت آگاهانه و تنوع داستان‌ها و نقش و حضور شخصیت‌های اسطوره‌ای و حماسی در آن، همواره از منابع اساسی و مهم برای خلق هنرهای نمایشی همچون نقالی، شاهنامه‌خوانی و تئاتر به‌شمار می‌رود.

ردپای حضور شاهنامه را می‌توان در هنرهایی همچون سینما، موسیقی، فرش‌بافی، فلزکاری، گچ‌بری<sup>۱۱</sup> و مجسمه‌سازی نیز جست‌وجو کرد؛ که برای پرهیز از اطناب کلام، به همین مقدار بسنده می‌شود.

## پی‌نوشت

۱. به‌تصویرکشیدن داستان‌ها و مضامین شاهنامه میان هنرمندان رواج بسیار داشته است تا بدانجا که تعداد صحنه‌های مصورشده از شاهنامه را بیش از ده هزار تصویر دانسته‌اند. (گرابر، ۱۳۸۳: ۹۷).
۲. دموت، عتیقه‌فروش پارسی است که با خریداری این نسخه از شاهنامه، هر یک از نگاره‌های آن را به‌صورت مجزا فروخت.
۳. این نسخه از شاهنامه را شاه‌تھماسب به سلطان سلیم دوم عثمانی اهدا کرد که سرانجام در سال ۱۹۵۹ به مالکیت آرثر هوتون درآمد. جزء ۷۸ نگاره این شاهنامه که در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود و چند نگاره دیگر که در دست برخی از مجموعه‌داران است، باقی نگاره‌ها و متن شاهنامه به ایران بازگردانیده شده است.
۴. برای بررسی هنر تصویرگری میرزا علی‌قلی خوئی در این نسخه شاهنامه چاپ سنگی، نک: صمدی و لاله‌یی، ۱۳۸۸.

۵. برای نقد و بررسی نسخه‌های چاپ سنگی شاهنامه و نیز کتاب *آلبوم شاهنامه*، نک: بوذری، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۳۹.
۶. برای اطلاع بیشتر در خصوص شاهنامه فرهنگستان هنر، نک: رجیبی، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۶.
۷. برای آگاهی از کتاب‌آرایی و پیشینه آن نک: مایل هروی، ۱۳۷۲.
۸. درباره پیشینه نقالی در ایران نک: بیضایی، ۱۳۸۷: ۸۳-۶۵؛ نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۱۸۵-۱۶۱.
۹. برای شناخت کارکرد ده عنصر نمایشی پیرنگ، گفت‌وگو، شخصیت‌پردازی، کشمکش، پیچیدگی، بحران، تعلیق، اوج، زمان و مکان در داستان‌های شاهنامه، نک: حنیف، ۱۳۸۴: ۸۱-۲۳.
۱۰. خلق تصاویر برگرفته از شاهنامه بر روی فلز، از دیرباز شایع بوده است و هم اکنون نیز این آثار قلم‌زنی شده را در اکثر موزه‌های معروف دنیا می‌توان مشاهده کرد. از جمله، خانم سیلویا اولد به تاس کوچکی اشاره می‌کند که بر روی آن شخصیت‌ها و تصاویری از شاهنامه نقش بسته است. این تاس اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. (نک: اولد، ۱۳۸۸: ۲۱۶-۱۷۹). در موزه ملی اسکاتلند نیز چهل‌ونه صفحه برنجی از دوره قاجار نگهداری می‌شود که بیشتر صفحات دربردارنده تصویر قهرمانان و داستان‌های شاهنامه است. نک: الخمیس و اونز، ۱۳۸۸: ۲۵۹-۲۳۹.
- برای مشاهده تصاویری از آثار فلزکاری که در دوره معاصر متأثر از شاهنامه خلق شده‌اند، رجوع کنید به کتاب *سی نقش با الهام از شاهنامه فردوسی*. این کتاب که با پیشگفتاری از دکتر علی رواقی و در کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده، دربردارنده تصاویر سی اثر فلزکاری استاد عباس قانع است که متأثر از برخی از داستان‌های معروف شاهنامه خلق شده‌اند.
۱۱. از جمله می‌توان به گچ‌بری‌های قلعه بندر طاهری یا سیراف بوشهر اشاره کرد که ۱۸ صحنه از داستان‌های شاهنامه را در بر می‌گیرد، همچون «کشتن رستم اسفندیار را»، «مرگ رستم»، «کشتن رستم سهراب را»، «بر تخت‌نشستن کیخسرو» و «گذشتن سیاوش از آتش». نک: اسکرس، ۱۳۸۸: ۲۹۰-۲۶۷.

## منابع

- آداموا، ا.ت. و گیوزالبان (۱۳۸۳). *نگاره‌های شاهنامه*، ترجمه زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). *مکتب نگارگری تبریز و قزوین - مشهد*، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۵). *مکتب نگارگری اصفهان*، تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷). *شاهنامه‌نگاری در مکتب شیراز*، فصلنامه فرهنگ مردم، سال هفتم، ش ۲۴ و ۲۵.
- اسکرس، جنیفر ام. (۱۳۸۸). «بندر طاهری، پایگاه متأخر شاهنامه»، *زبان تصویری شاهنامه*، به کوشش رابرت هیلن براند، ترجمه سید داود طبائی، تهران: مؤسسه متن.
- افشار، ایرج (۱۳۴۷). *کتاب‌شناسی فردوسی*، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

- افشار، ایرج (۱۳۵۵). «شاهنامه از خطی تا چاپی»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۲.
- افشاری، مهران؛ مدائینی، مهدی (۱۳۷۷). هفت لشکر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولد، سیلیوا (۱۳۸۸). «شخصیت‌های خارج از متن ...»، زبان تصویری شاهنامه، به کوشش رابرت هیلن براند، ترجمه سید داود طبائی، تهران: مؤسسه متن.
- بودری، علی (۱۳۸۷). «سیصدوسی و دومجلسم، فصلنامه فرهنگ مردم، سال هفتم، ش ۲۴ و ۲۵.
- بیضایی، بهرام (۱۳۸۷). نمایش در ایران، چاپ ششم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۳). نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز، چ سوم، تهران: نشر زرین و سیمین.
- حنیف، محمد (۱۳۸۴). قابلیت‌های نمایشی شاهنامه، تهران: سروش.
- الخمیس، اولریکه؛ اونز، گادفری (۱۳۸۸). «بازتاب‌های پریده‌رنگ از شکوه گذشته»، زبان تصویری شاهنامه، به کوشش رابرت هیلن براند، ترجمه داود طبائی، تهران: مؤسسه متن.
- رجبی، محمدعلی (۱۳۸۹). «شاهنامه و نگارگری»، کتاب ماه ادبیات، سال چهارم، ش ۳۷.
- رواقی، علی (مقدمه و گزینش) (۱۳۸۸). داستان‌های شاهنامه، چ دوم، تهران: نگار.
- زکی محمدحسن (۱۳۶۴). تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سبحان، کتاب.
- شهری، جعفر (۱۳۷۶). طهران قدیم، ج ۱، چ دوم، تهران: معین.
- شیرازی، محمدحسن (گزینش متن) (۱۳۸۶). داستان‌های شاهنامه، چ سوم، تهران: پیام؛
- شین دشتگل، هلناشین (۱۳۸۷) «مجالس شاهنامه فجری بر بنیاد نقاشی‌های مردمی»، فصلنامه فرهنگ مردم، سال هفتم، ش ۲۴ و ۲۵.
- صمدی، هاجر و لاله‌یی، نعمت (۱۳۸۸). تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علی‌قلی خوبی، تهران: مؤسسه متن.
- فردوسی، ابوالقاسم (بی‌تا). شاهنامه، تهران: مرکز فرهنگی و انتشاراتی فرهنگسرای فردوسی.
- فروغ، مهدی (۱۳۵۴). شاهنامه و ادبیات دراماتیک، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- فنائیان، تاجبخش (۱۳۸۶). هنر نمایش در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- قانع، عباس (۱۳۷۰). سی نقش با الهام از شاهنامه فردوسی، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
- گرابر، اولگ (۱۳۸۳). مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.
- مارزلف، اولریش (۱۳۸۴). آلبوم شاهنامه: تصویرهای چاپ سنگی شاهنامه فردوسی، تهران: نشر چیستا.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب‌آزایی در تمدن اسلامی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۹). فردوسی و شاهنامه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،
- نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران، ج ۲، تهران: آرون.
- نظامی عروضی (۱۳۷۶). چهارمقاله، به‌اهتمام محمد معین، چاپ یازدهم، تهران: صدای معاصر.
- واتسون، آلیور (۱۳۸۲). سفال زرین‌فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: سروش.